

نقش عدم رعایت اخلاق شغلی در عدم تحقق اهداف تسهیلات بانکی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۵/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۷/۲۵

* سید جمال الدین محسنی زنوزی

** سولماز صادق پور

*** مرتضی دهقاندرست

چکیده

در این مقاله به بررسی نقش عدم رعایت اخلاق شغلی در عدم تحقق اهداف اجرای طرح هایی از جمله بنگاه های زود بازده و صندوق توسعه ملی که تسهیلات ارزان قیمتی به صورت تکلیفی در اختیار اجرا کنندگان آن قرار گرفته، پرداخته می شود. در اجرای این طرح ها سه گروه ایفای نقش می نمایند، نخست تصویب کنندگان که در سطح کلان باید با در نظر گرفتن اهداف برنامه های توسعه کشوری، امکانات، منابع و بازار محصول طرح نسبت به تصویب و تخصیص اعتبار به شهر یا استان مورد نظر اقدام نمایند، سپس در سطح خرد پرداخت کنندگان باید با پرداخت و نظارت بر اجرای طرح و مصرف کنندگان با دریافت و مصرف آن در طرح مورد نظر علاوه بر اشتغالزایی و کسب درآمد، موجب افزایش تولید شوند.

بر اساس نتایج مطالعه این تسهیلات اکثراً به مصرف مورد نظر نرسیده و با افزایش نقدینگی و مصرف آن در فعالیت های سوداگری، تورم فزاینده ای را به جامعه تحمیل کرده است که علت این امر را می توان در عدم رعایت اخلاق شغلی توسط این سه گروه عنوان کرد: تشخیص نادرست تصویب کنندگان طرح ها از وجود منابع و امکانات در منطقه برای اجرای طرح باعث افزایش قیمت تمام شده محصول و تورم منطقه ای شده، همچنین عدم بازاریابی قبل از اجرای طرح باعث رکود طرح و ورشکستگی طرح و عدم وصول این تسهیلات گردیده، از طرفی عدم رعایت اخلاق شغلی در مصرف این تسهیلات در طرح مورد نظر توسط دریافت کنندگان آن و عدم نظارت بر اجرای صحیح آن توسط پرداخت کنندگان از مهمترین عوامل به نتیجه نرسیدن کامل این طرح ها در افزایش تولید ملی می باشد.

واژگان کلیدی: اخلاق شغلی، تسهیلات تکلیفی، تورم

طبقه بندی JEL: E51, J89, Z12

* عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد و مدیریت دانشگاه ارومیه (نویسنده مسئول) Jmzonouzi@yahoo.com

** دانشجوی دکتری اقتصاد دانشکده اقتصاد و مدیریت دانشگاه ارومیه solmazsadegpoor@yahoo.com

*** کارشناسی ارشد اقتصاد دانشکده اقتصاد و مدیریت دانشگاه ارومیه mdehgandorost@yahoo.com

مقدمه

دستیابی به رشد و توسعه در هر کشوری از جمله مهمترین اهداف و برنامه های دولتمردان و سیاستگذاران آن کشور محسوب می شود. بالطبع برای دستیابی به این اهداف و تحقق آنها نیاز به برنامه ریزی است و آنچه که موفقیت این برنامه ها را می تواند تضمین کند، اجرایی شدن درست و به موقع آنها توسط متصدیان امر می باشد. اما متأسفانه در این زمینه مشکلاتی مطرح می شود که باعث عدم حصول نتایج موردنظر، از سیاستگذاری های انجام گرفته می شود. بیشتر این مشکلات از عدم تعهد مجریان طرح ها نسبت به اجرای دقیق و به موقع آنها و همچنین ضعف در نظارت و کنترل بر اجرای برنامه های مذکور ناشی می شود. در این راستا و به منظور بررسی بهتر، در مقاله حاضر به نقش عدم رعایت اخلاق شغلی در عدم تحقق اهداف تسهیلات بانکی پرداخته می شود.

امروزه نقشی که مؤسسات مالی و بانکها در وضعیت اقتصادی کشور و بالطبع در زندگی مردم دارند بر کسی پوشیده نیست. اما سؤالی که در اینجا مطرح می شود این است که چرا این مؤسسات در کنار وظیفه ای که در جهت اجرایی سازی سیاست های پولی و مالی دولت ها در فرایند دستیابی به رشد و توسعه عهده دار می باشند، به عنوان یک عامل اصلی در افزایش نقدینگی و بروز مشکلاتی همچون تورم ناخواسته در جامعه نیز شناخته شده اند؟ فرضی که می توان در اینجا مطرح نمود این است که مؤسسات مالی و بانکها در قبال تسهیلات ارزان قیمتی که به منظور رشد تولید، صنعت، اشتغالزایی و در کل، تحقق اهداف برنامه های توسعه در اختیار متقاضیان قرار می دهند، نظارت و کنترل لازم را بر اجرای طرح های ارائه شده عهده دار نمی شوند.

به عنوان مثال در طرح بنگاه های زودبازده که در جهت تحقق بخشی به برنامه توسعه به اجرا گذاشته شد و توفیق چندانی از آن حاصل نشد، بسیاری از دریافت کنندگان تسهیلات به- جای ایجاد بنگاه و در نتیجه اشتغالزایی برای تعدادی از افراد که از اهداف اجرای این طرح محسوب می شد، این نقدینگی را صرف مخارج مصرفی نموده و به این ترتیب با تزریق این مبالغ به جامعه، عامل اصلی در به وجود آمدن تورم گردیدند. آنچه که در این مثال موردی به وضوح به عنوان دلیلی بر چرایی شکست طرح مذکور به چشم می خورد، عدم تعهد حرفه ای متصدیان امر در داشتن نظارت و کنترل دقیق بر چگونگی مصرف تسهیلات اعطایی می باشد، البته این عدم تعهد اخلاقی از سوی دریافت کنندگان تسهیلات بانکی نیز مطرح می باشد، چرا که این افراد بایستی در قبال دریافت تسهیلات، خود را ملزم به اجرای طرح ارائه داده شده به بانک یا

سایر نهادها و مؤسسات پرداخت کننده تسهیلات بدانند در صورتی که در عمل بسیاری از افراد به تعهد مذکور پایبند نیستند، و اینجاست که جای خالی اخلاق در جامعه و در بین افراد به چشم می‌خورد، مساله ای که متأسفانه در یک کشور اسلامی مدعی رعایت اصول اخلاقی نباید وجود داشته باشد. با این مثال می‌توان به اهمیت رعایت اخلاق اسلامی در رشد و شکوفایی هرچه بیشتر یک کشور پی برد، مساله مهمی که شاید بدان کمتر توجه شده باشد.

در ادامه برای درک بهتر موضوع ابتدا تعاریفی از اخلاق و لزوم رعایت آن از دید قرآن و روایات ارائه می‌شود و سپس بحث با دقتی تر شدن بر نقش عدم رعایت اخلاق شغلی در عدم تحقق اهداف تسهیلات بانکی به عنوان مانعی بر سر راه رشد و توسعه کشور ادامه می‌یابد.

لازم به ذکر است که این مقاله جزو اولین کارهای انجام شده در داخل کشور محسوب می‌شود. چرا که بیشتر مطالعات انجام شده قبلی، صرفاً در زمینه اخلاق، مانند مطالعات آمارتیا سن (۱۳۸۶) و ایسام تلمسانی و رایین ماتیوس (۸۷-۱۳۸۶) یا در زمینه بررسی اخلاق کار و عوامل تأثیرگذار بر رفتار اخلاقی کارکنان سازمانی مانند مطالعات کلویان (۱۳۸۶)، تولایی (۱۳۸۸) و امیری و همکاران (۱۳۸۹) بوده است. البته مطالعاتی در زمینه اخلاق حرفه ای در آموزه های اسلامی نیز انجام شده است از جمله آنها می‌توان به مطالعه موثقی (۱۳۷۸)، داود (۱۳۷۹)، دادگر (۱۳۸۵) و حسینی (۱۳۹۰) اشاره کرد.

میربهاداری (۱۳۹۰) نیز به بررسی تسهیلات تکلیفی و اثرات آن بر سیستم بانکی کشور پرداخته است. اما مطالعه ای که منحصراً به بررسی نقش عدم رعایت اخلاق شغلی در عدم تحقق اهداف تسهیلات بانکی پرداخته باشد به چشم نمی‌خورد. لذا این امر می‌تواند نقطه قوتی برای این تحقیق به‌شمار آید. امید است که مطالعه حاضر بتواند گامی مفید در این راه بردارد.

۱. اخلاق در قرآن

بدیهی است آنچه که انسان را از حیوان متمایز می‌سازد، تنها توانایی تفکر و اختیار در او نیست بلکه ویژگی بالاتری نیز مطرح است که او را شایسته به سجده در آمدن فرشتگان در برابرش می‌سازد و آن اخلاق و روحیه انسانی است؛ چیزی که در نبودش عدالت و ظلم مفهومی نداشته و فقط نفع و سودجویی مطرح می‌گردد. انسان منهای اخلاق برای رسیدن به منافع نامشروع مادی جنگ به پا می‌کند، و برای فروش جنگ افزارهای ویرانگر تخم تفرقه و نفاق می‌پاشد، و بی‌گناهان را به خاک و خون می‌کشد!

با این اشاره به سراغ قرآن می‌رویم و این حقیقت را از زبان قرآن می‌شنویم؛ در آیات زیر دقت کنید:

۱ - هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یرکبهم ویعلمهم الکتاب والحکمۃ و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین (سوره جمعه، آیه ۲):

او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده، رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می‌خواند و آنها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب و حکمت می‌آموزد، هرچند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند!

۲ - لقد من الله علی المؤمنین اذ بعث فیهم رسولا من انفسهم یتلوا علیهم آیاته و یرکبهم و یعلمهم الکتاب و الحکمۃ و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین (سوره آل عمران، ۱۶۴):

خداوند بر مؤمنان منت نهاد (و نعمت‌بزرگی بخشید) هنگامی که در میان آنها پیامبری از خودشان برانگیخت که آیات او را بر آنها بخواند، و آنان را پاک کند و کتاب و حکمت به آنها بیاموزد، هرچند پیش از آن، در گمراهی آشکاری بودند.

۳ - کما ارسلنا فیکم رسولا منکم یتلوا علیکم آیاتنا و یرکبکم و یعلمکم الکتاب و الحکمۃ و یعلمکم ما لم تکنوا تعلمون (سوره بقره، آیه ۱۵۱):

همان‌گونه (که با تغییر قبله نعمت خود را بر شما ارزانی داشتیم) رسولی از خودتان در میانتان فرستادیم، تا آیات ما را بر شما بخواند، و شما را پاک کند و کتاب و حکمت بیاموزد، و آنچه را نمی‌دانستید، به شما یاد دهد.

۴ - ربنا وبعث فیهم رسولا منهم یتلوا علیهم آیاتک و یعلمهم الکتاب و الحکمۃ و یرکبهم انک انت العزیز الحکیم (سوره بقره، آیه ۱۲۹):

پروردگارا! در میان آنها پیامبری از خودشان برانگیز! تا آیات تو را بر آنان بخواند، و آنها را کتاب و حکمت بیاموزد و پاکیزه کند، زیرا تو توانا و حکیمی (و بر این کار قادری).

۵ - قد افلح من زکبها و قد خاب من دسیها (سوره شمس، آیات ۹ و ۱۰):

هرکس نفس خود را پاک و تزکیه کرد، رستگار شد و آن کس که نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده ساخت، نومید و محروم گشت!

۶ - قد افلح من تزکی و ذکر اسم ربه فصلی (سوره اعلی، آیات ۱۴ و ۱۵):

به یقین کسی که پاکی جست (و خود را تزکیه کرد) رستگار شد و (آن کس) نام پروردگارش را یاد کرد، سپس نماز خواند!

۷ - و لقد آتینا لقمان الحکمۃ ان اشکر لله (سوره لقمان، آیه ۱۲):

ما به لقمان حکمت (ایمان و اخلاق) آموختیم (و به او گفتیم) شکر خدا را به جای آور! چهار آیه نخستین در واقع یک حقیقت را دنبال می‌کند، و آن اینکه یکی از اهداف اصلی بعثت پیامبر اسلام (ص) تزکیه نفوس و تربیت انسان‌ها و پرورش اخلاق حسنه بوده است؛ حتی می‌توان گفت تلاوت آیات الهی و تعلیم کتاب و حکمت که در نخستین آیه آمده، مقدمه‌ای است برای مساله تزکیه نفوس و تربیت انسان‌ها؛ همان چیزی که هدف اصلی علم اخلاق را تشکیل می‌دهد. نکته ای که در پنجمین آیه جلب توجه می‌کند، آن است که قرآن پس از ذکر طولانی‌ترین سوگندها که مجموعه‌ای از بازده سوگند مهم به خالق و مخلوق و زمین و آسمان و ماه و خورشید و نفوس انسانی است، می‌گوید: «آن کس که نفس خویش را تزکیه کند، رستگار شده، و آن کس که آن را آلوده سازد، مایوس و ناامید گشته است! این تأکیدهای پی در پی و بی‌نظیر دلیل روشنی است بر اهمیتی که قرآن مجید برای پرورش اخلاق و تزکیه نفوس قائل است، و گویی فلاح و رستگاری و همه ارزشها را در این ارزش بزرگ خلاصه می‌کند. همین معنی با مختصر تفاوتی در آیه ششم آمده و جالب اینکه «تزکیه اخلاق» در آن مقدم بر نماز و یاد خدا ذکر شده که اگر تزکیه نفس و پاکی دل و صفای روح در پرتو فضائل اخلاقی نباشد، نه ذکر خدا به جایی می‌رسد و نه نماز روحانیتی به بار می‌آورد و بالاخره در آخرین آیه، از معلم بزرگ اخلاق یعنی لقمان سخن می‌گوید و از علم اخلاق به «حکمت» تعبیر می‌کند و می‌گوید: «ما (موهبت بزرگ) حکمت را به لقمان دادیم، سپس به او دستور دادیم که شکر خدا را در برابر این نعمت بزرگ به جا آورد».

آنچه که از آیات و مطالب بالا می‌توان نتیجه گرفت، توجه عظیم قرآن به عنوان اصلی ترین منبع دین مبین اسلام، به اخلاق است؛ به گونه ای که اهمیت آن بر تمام احکام و قوانین اسلامی سایه افکننده، پس در سیاستگذاری‌های مذکور نیز بایستی اخلاق حرفی برای گفتن داشته باشد.

۲. اهمیت اخلاق در روایات اسلامی

در احادیثی که از پیامبر اکرم (ص) و سایر پیشوایان معصوم (ع) رسیده است، موضوع با اهمیت بسیاری تعقیب شده، که برای نمونه چند حدیث پرمعنای زیر از نظر می‌گذرد:

۱- در حدیث معروفی از پیامبر اکرم (ص) می‌خوانیم:

«انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق؛ من تنها برای تکمیل فضائل اخلاقی مبعوث شده‌ام».

۲- در حدیث دیگری از امیرمؤمنان علی (ع) می‌خوانیم که فرمود: «لو كنا لانرجو جنه ولا نخشى ناراً ولا ثواباً ولا عقاباً لكان ينبغي لنا ان نطالب بمكارم الاخلاق فانها مما تدل على سبيل النجاح؛ اگر ما امید و ایمانی به بهشت و ترس و وحشتی از دوزخ، و انتظار ثواب و عقابی نمی‌داشتیم، شایسته بود به سراغ فضائل اخلاقی برویم، چرا که آنها راهنمای نجات و پیروزی و موفقیت هستند».

این حدیث بیان می‌کند که فضائل اخلاقی سبب نجات انسانها هم در زندگی اخروی و هم در زندگی دنیوی می‌باشد.

۳- در حدیث دیگری از رسول خدا (ص) آمده است که فرمود: «جعل الله سبحانه مكارم الاخلاق صله بينه وبين عباده فحسب احدكم ان يتمسك بخلق متصل بالله؛ خداوند سبحان فضائل اخلاقی را وسیله ارتباط میان خودش و بندگانش قرار داده، همین بس که هر یک از شما دست به اخلاقی بزند که او را به خدا مربوط سازد».

براساس این حدیث نبوی نیز هر فضیلت اخلاقی ارتباطی میان انسان و خدا ایجاد می‌کند که او را به ذات مقدسش نزدیکتر می‌گرداند. در ادامه توضیحاتی در مورد اخلاق شغلی ارائه می‌شود.

۳. مفهوم اخلاق حرفه‌ای

در ابتدا مفهوم اخلاق حرفه‌ای به معنای اخلاق کار و اخلاق مشاغل به کار می‌رفت. امروزه نیز عده‌ای از نویسندگان اخلاق حرفه‌ای، از معنای نخستین این مفهوم برای تعریف آن استفاده می‌کنند. اصطلاحاتی مثل *work ethics* یا *ethics professional* معادل اخلاق کاری یا اخلاق حرفه‌ای در زبان فارسی است. تعریف‌های مختلفی از اخلاق حرفه‌ای ارائه شده است که ما در اینجا به سه مورد اکتفا می‌نماییم:

الف) اخلاق کار، متعهد شدن انرژی ذهنی و روانی و فیزیکی فرد یا گروه به ایده جمعی است در جهت اخذ قوا و استعداد درونی گروه و فرد برای توسعه به هر نحو (Cadozier, 2002).

ب) اخلاق حرفه‌ای یکی از شعبه‌های جدید اخلاق است که می‌کوشد به مسائل اخلاقی حرفه‌های گوناگون پاسخ داده و برای آن اصولی خاص متصور است (Hartog, 2007).

ج) اخلاق فردی، مسؤولیت‌پذیری فرد است در برابر رفتار فردی خود، صرفاً به منزله یک فرد انسانی، و اخلاق شغلی، مسؤولیت‌پذیری یک فرد است در برابر رفتار حرفه‌ای و شغلی خود، به مثابه صاحب یک حرفه یا پست سازمانی (Moberg, 2006).

اخلاق حرفه‌ای یکی از مسائل اساسی همه جوامع بشری است. در حال حاضر، متأسفانه در جامعه ما در محیط کار کمتر به اخلاق حرفه‌ای توجه می‌شود. در حالی که در غرب سکولار، در دانش‌های مربوط به مدیریت و سازمان، شاخه‌ای با عنوان اخلاق حرفه‌ای وجود دارد، ولی در جامعه دینی ما در مدیریت، به اخلاق توجه کافی نشده است (قراملکی، ۱۳۸۳). جامعه ما نیازمند آن است تا ویژگی‌های اخلاق حرفه‌ای مانند دلبستگی به کار، روحیه مشارکت، اعتماد و ایجاد تعامل با یکدیگر تعریف، و برای تحقق آن فرهنگ سازی شود.

۴. رابطه زندگی مادی با مسائل اخلاقی در روایات اسلامی

روایات اسلامی بر تأثیر عمیق صفات اخلاقی بر زندگی فردی و اجتماعی انسانها تأکید دارند که در ذیل به برخی از آنها اشاره شده است:

۱- در حدیثی از امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌خوانیم: «فی سعه الاخلاق کنوز الارزاق؛ گنجهای روزی، در اخلاق خوب و گسترده، نهفته شده است!» (۱)

۲- در حدیث دیگر از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: «حسن الخلق یزید فی الرزق؛ حسن خلق، روزی را زیاد می‌کند!» (۲)

۳- در حدیث دیگری از امام علی علیه السلام درباره تأثیر حسن خلق در جلب و جذب مردم به استحکام رابطه دوستی در میان آنها چنین آمده است:

«من حسن خلقه کثر محبوه وأنست النفوس به؛ کسی که اخلاقش نیکو باشد، دوستانش فراوان می‌شوند و مردم به او انس می‌گیرند.» (۳)

۴- باز در حدیث دیگری از امام ششم، امام صادق علیه السلام این معنی با صراحت بیشتری آمده، می‌فرماید:

«ان البر و حسن الخلق یعمران الدیار و یزیدان فی الاعمار؛ نیکوکاری و حسن اخلاق، خانه‌ها (و شهرها) را آباد و عمرها را زیاد می‌کند!» (۴)

شک نیست که عمران و آبادی در سایه اتحاد و صمیمیت و همکاری در میان قشرهای جامعه به وجود می‌آید، و آنچه باعث تحکیم این امور شود، از عوامل مهم عمران و آبادی خواهد بود. طول عمر نیز مولود آرامش فکر و آسودگی خیال و جلوگیری از فقر و همکاری و همبستگی اجتماعی است و این امور در سایه اخلاق به دست می‌آید.

۵- در همین رابطه، در حدیثی از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله آمده است که فرمود: «حسن الخلق یثبت الموده؛ اخلاق خوب پیوند محبت و دوستی را محکم می‌کند.» (۵)

و نیز در احادیث متعددی درباره تأثیر سوء خلق در ایجاد نفرت اجتماعی و پراکندگی مردم، و تنگی معیشت و سلب آرامش و آسایش مطالب فراوانی آمده است؛ از جمله:

۶- در حدیثی از علی علیه السلام می‌خوانیم: «من ساء خلقه ضاق رزقه؛ کسی که اخلاقش بد باشد، روزی او تنگ می‌شود!» (۶)

۷- و نیز از همان حضرت آمده است که فرمود: «من ساء خلقه اعوزه الصدیق و الرفیق؛ کسی که بد اخلاق باشد دوستان و رفیقان او پراکنده می‌شوند و او را رها می‌کنند.» (۷)

۸- باز از همان حضرت آمده است: «سوء الخلق نکد العیش و عذاب النفس؛ اخلاق بد موجب سختی و تنگی زندگی و ناراحتی روح و وجدان می‌شود.» (۸)

۹- از امیرمؤمنان علی علیه السلام پرسیدند: «من ادوم الناس غما؛ چه کسی غم و اندوهش از همه بیشتر است؟» قال علیه السلام: «اسوئهم خلقاً! فرمود: کسی که از همه اخلاقش بدتر است!» (۹)

۱۰- و بالاخره در حدیثی می‌خوانیم که لقمان حکیم به فرزندش چنین نصیحت می‌کرد: «ایاک و الضجر و سوء لخلق و قله الصبر فلا یستقیم علی هذه الخصال صاحب؛ از بی‌حوصلگی و سوء خلق و کم صبری بپرهیز که با داشتن این صفات بد، دوستی برای تو باقی نمی‌ماند!» (۱۰)

حال با توجه به تعاریف ارائه شده به نقش عدم رعایت اخلاق شغلی در عدم تحقق اهداف تسهیلات بانکی می‌پردازیم و به طور موردی طرح مشمول تسهیلات تکلیفی را مورد توجه قرار می‌دهیم.

۵. تسهیلات تکلیفی

تسهیلات تکلیفی به تسهیلاتی گفته می‌شود که دقیقاً با ضوابط پرداخت تسهیلات بانک تطبیق ندارد ولی بانک به دلیل مصوباتی خارج از سیستم بانکی مثل مصوبات هیات دولت یا بانک مرکزی به اجبار این تسهیلات را پرداخت می‌کند. به طور کلی باید گفت یکی از ضوابط بانکی برای پرداخت تسهیلات به متقاضیان، داشتن توجیه اقتصادی طرحی است که به منظور آن تسهیلات از بانک گرفته می‌شود. این ضابطه یکی از مهم‌ترین اصولی است که برای بانک فوق‌العاده اهمیت دارد. دلیل اهمیت آن این است که اگر طرحی توجیه اقتصادی نداشته باشد، معلوم نیست متقاضی قادر باشد اقساط تسهیلات را در آینده بازپرداخت کند. بنابراین طرح خوب طرحی است که بازگشت سرمایه داشته باشد و بانک را دچار معوقات بانکی نکند. به دلیل همین نگرانی، از گذشته رسم بود که هرگاه دولت به بانک‌ها برای پرداخت تسهیلات بانکی

تکلیف می‌کرد، تضمین بازپرداخت دولت نیز به‌همراه آن به بانک ارائه می‌شد. در جمهوری اسلامی ایران تسهیلات تکلیفی با توجه به نرخ سود و کارمزد بسیار پایین آن نسبت به سایر تسهیلات اعطایی بانکی و عدم رسیدگی‌های اولیه و عدم اجبار دریافت‌کنندگان تسهیلات به پرداخت سودی معادل سود معمول و رایج سیستم بانکی و نیز عدم نظارت لازم، برای کاهش بدهی‌های معوق معمولاً باعث می‌شود که بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی همواره متورم شود. این فرایند در نهایت منجر به افزایش نقدینگی، پایه پولی و تورم می‌گردد.

۶. بنگاه‌های زودبازده

اگر بخواهیم یکی از طرح‌های ناموفق و چالش برانگیز دولت نهم و دهم، در حوزه کار و تولید را مورد بحث و بررسی قرار دهیم، به طور قطع این طرح بنگاه‌های کوچک زودبازده خواهد بود. طرحی که در آغاز دولت نهم با تصویب آیین‌نامه‌ای تحت عنوان "گسترش بنگاه‌های کوچک اقتصادی و زودبازده کارآفرین" و با هدف توزیع عادلانه منابع بانکی در مناطق محروم و افزایش و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، با محوریت وزارت کار و امور اجتماعی وقت، شروع شد تا مشکل بیکاری را کاهش و میزان اشتغال مورد پیش‌بینی در برنامه چهارم توسعه را تحقق بخشد. دامنه شمول آن را هم در کلیه بخش‌های صنعت، کشاورزی، خدمات و فرهنگ و آموزش اعم از ایجاد، نیمه تمام و توسعه‌ای تعریف نمودند. البته بعد موضوع دیگری به نام تثبیت اشتغال، بدان اضافه گردید که همین موضوع راه را برای فرصت‌طلبان سودجو که به دنبال منابع بانکی ارزان قیمت بودند، باز کرد و شکست طرح را تسریع نمود.

مجریان طرح هدف اشتغالی آن را ایجاد ۳ میلیون و ۱۰۰ هزار فرصت شغلی از سال ۸۵ تا ۸۹ و حداقل ثابت نگهداشتن نرخ بیکاری سال ۸۴ اعلام نمودند، که در همان سال اول اجرای طرح، دو شرط اساسی آن شامل بنگاه‌های کوچک با کمتر از ۵۰ نفر نیروی کار و سقف تسهیلات ۱۰ میلیارد ریالی (که در الحاقیه‌ای به ۳۰ میلیارد ریال افزایش داده شده بود) دستخوش تغییر و در نهایت نقض گردید. از طرفی حمایت‌های غیر کارشناسی از متقاضیان خاص، توسط تصمیم‌گیران اصلی در سیستم نظارت بانک‌ها بر تسهیلات، در محل مورد نظر موجب چالش بین بانک مرکزی و وزارت کار و امور اجتماعی و در نهایت موجب برکناری رییس بانک مرکزی گردید. ولذا اصرار به تداوم اجرای طرح با همان شرایط مد نظر مجریان موجب شد تا بازرسی کل کشور و مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، عملکرد و میزان تحقق

اهداف آن را مورد بررسی قرار داده و پس از بررسی، انحراف طرح را ۶۰ درصد اعلام نمودند و حتی تأثیر منفی اجرای طرح در افزایش حجم نقدینگی را متذکر گردیدند.

اما علی رغم نظر این مراکز ذیصلاح، متاسفانه تداوم اجرای طرح با اصرار عجیب مجریان و رییس دولت دنبال شد و عجیب تر آنکه وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی دولت دهم، در گزارشی در اواخر سال ۹۲ نتیجه پایانی طرح را، اعطای ۳۲ هزار میلیارد تومان تسهیلات و ایجاد قطعی ۲ میلیون و ۴۳۴ هزار فرصت شغلی اعلام نمود. در صورتی که شاخص های اقتصادی مانند رشد اقتصادی منفی، روند افزایش نرخ بیکاری و تعداد بیکاران و افزایش حجم نقدینگی، تأکیدی بر غیر واقعی بودن آمارهای داده شده بود. این در حالی است که حدود ۷۰ درصد این ۲ میلیون و ۴۳۴ هزار فرصت شغلی در بنگاه های کوچک و زودبازده مورد ادعای دولت دهم را تنها می توان بر روی کاغذ پیدا کرد و از ۳۰ درصد تحقق یافته نیز به غیر از تعدادی فرصت شغلی مقطعی و غیر پایدار و واحدهای کوچک و نیمه تمام در برخی از شهرک های صنعتی (که البته باید به تکمیل و بهره برداری رسیدن آنها کمک شود)، چیزی نصیب کشور نگردید و بخش عمده منابع بانکی تخصیص یافته به این طرح با فرصت طلبی سودجویانه در بخش خرید مسکن، زمین و سایر واسطه گری ها هزینه شد (ر. ک: حاتم شاکرمی).



جدول-نرخ بیکاری در جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر به تفکیک جنس (۱۳۷۶-۱۳۹۱)

سال	کل	مرد	زن
۱۳۷۶	۱۳.۱	۱۲.۸	۱۴.۹
۱۳۷۷	۱۲.۵	۱۲.۲	۱۳.۷
۱۳۷۸	۱۳.۵	۱۳.۵	۱۳.۶
۱۳۷۹	۱۴.۳	۱۳.۸	۱۶.۵
۱۳۸۰	۱۴.۲	۱۳.۲	۱۹.۹
۱۳۸۱	۱۲.۸	۱۱.۲	۲۲.۴
۱۳۸۲	۱۱.۸	۱۰.۱	۲۱.۲
۱۳۸۳	۱۰.۳	۹.۰	۱۷.۸
۱۳۸۴	۱۱.۵	۱۰.۰	۱۷.۱
۱۳۸۵	۱۱.۳	۱۰.۰	۱۶.۲
۱۳۸۶	۱۰.۵	۹.۳	۱۵.۸
۱۳۸۷	۱۰.۴	۹.۱	۱۶.۷
۱۳۸۸	۱۱.۹	۱۰.۸	۱۶.۸
۱۳۸۹	۱۳.۵	۱۱.۹	۲۰.۵
۱۳۹۰	۱۲.۳	۱۰.۵	۲۰.۹
۱۳۹۱	۱۲.۲	۱۰.۵	۱۹.۹

ماخذ: مرکز آمار ایران، نتایج طرح آماری از ویژگی های اشتغال و بیکاری (۱۳۸۳-۱۳۷۶) و طرح آماری نیروی کار (۱۳۹۱-۱۳۸۴).
نرخ بیکاری عبارت است از نسبت جمعیت بیکار به جمعیت فعال (شاغل و بیکار)، ضربدر ۱۰۰.

جدول. سهم شاغلان بخش های عمده فعالیت (۱۳۷۶-۱۳۹۱)

سال	کشاورزی	صنعت	خدمات
۱۳۷۶	۲۵.۲	۳۱.۶	۴۳.۲
۱۳۷۷	۲۶.۱	۳۲.۱	۴۱.۸
۱۳۷۸	۲۷.۴	۳۰.۶	۴۲.۰
۱۳۷۹	۲۶.۰	۳۱.۴	۴۲.۵
۱۳۸۰	۲۶.۱	۳۰.۶	۴۲.۳
۱۳۸۱	۲۴.۸	۲۹.۶	۴۵.۶
۱۳۸۲	۲۱.۹	۳۰.۷	۴۷.۴
۱۳۸۳	۲۲.۹	۳۰.۱	۴۷.۰
۱۳۸۴	۲۴.۷	۳۰.۳	۴۴.۹
۱۳۸۵	۲۳.۲	۳۱.۷	۴۵.۱
۱۳۸۶	۲۲.۸	۳۲.۰	۴۵.۱
۱۳۸۷	۲۱.۲	۳۲.۲	۴۶.۵
۱۳۸۸	۲۰.۸	۳۱.۸	۴۷.۴
۱۳۸۹	۱۹.۲	۳۲.۲	۴۸.۶
۱۳۹۰	۱۸.۶	۳۳.۴	۴۸.۰
۱۳۹۱	۱۸.۹	۳۳.۶	۴۷.۵

منبع: مرکز آمار ایران، نتایج طرح آماری از ویژگی های اشتغال و بیکاری (۱۳۷۶-۱۳۹۱) و طرح آماری نیروی کار (۱۳۷۶-۱۳۹۱).

سهم شاغلان عبارت است از نسبت جمعیت شاغل با برآیند مورد نظر به کل جمعیت شاغل (صورت بر ۱۰۰).

طبق گزارش مرکز آمار ایران تعداد بیکاران از ۲ میلیون و ۶۷۴ هزار و ۸۶۶ نفر در سال ۸۴ به ۲ میلیون و ۹۴۴ هزار و ۱۵۸ نفر در سال ۹۱ افزایش یافته است. به عبارتی در فاصله سال های ۸۴ تا ۹۱ نه تنها از تعداد بیکاران کشور طبق گزارش مرکز آمار ایران کم نشده است، بلکه به تعداد بیکاران ۲۶۹ هزار و ۲۹۲ نفر نیز افزوده شده است. این آمار نشان می دهد که طرح بنگاه های زود بازده با هدف اشتغالزایی و کاهش بیکاری موفقیت آمیز نبوده و به نتیجه نرسیده است.

جدول . نرخ مشارکت اقتصادی به تفکیک جنس (۱۳۷۶-۱۳۹۱)

سال	مرد	زن
۱۳۷۶	۵۹.۲	۹.۹
۱۳۷۷	۶۰.۸	۱۱.۹
۱۳۷۸	۶۱.۹	۱۱.۷
۱۳۷۹	۶۲.۱	۱۱.۹
۱۳۸۰	۶۲.۱	۱۱.۸
۱۳۸۱	۶۲.۸	۱۰.۸
۱۳۸۲	۶۳.۷	۱۱.۵
۱۳۸۳	۶۴.۹	۱۱.۴
۱۳۸۴	۶۴.۷	۱۷.۰
۱۳۸۵	۶۳.۹	۱۶.۴
۱۳۸۶	۶۳.۵	۱۵.۶
۱۳۸۷	۶۱.۹	۱۳.۶
۱۳۸۸	۶۲.۸	۱۴.۵
۱۳۸۹	۶۲.۱	۱۴.۱
۱۳۹۰	۶۰.۷	۱۲.۶
۱۳۹۱	۶۱.۱	۱۳.۸

منبع: مرکز آمار ایران، نتایج طرح آمارگیری از ویژگی‌های اشتغال و بیکاری (۱۳۸۳-۱۳۷۶) و طرح آمارگیری نیروی کار (۱۳۹۱-۱۳۸۴).
نرخ مشارکت اقتصادی (نرخ فعالیت) عبارت است از نسبت قسمت فعال (فعال و بیکار) ۱۰۰ ساله و بیش‌تر (یا ۱۵ ساله و بیش‌تر) به قسمت در سن کار - ۱۰ ساله و بیش‌تر (یا ۱۵ ساله و بیش‌تر) هر سال ۱۰۰.

در اسفند ماه سال ۱۳۸۶ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با همکاری وزارت کار و امور اجتماعی تصمیم گرفتند که با انتخاب یک مشاور مستقل از بخش خصوصی، طرح مشترکی را برای ارزیابی تسهیلات بانکی پرداخت شده به متقاضیان به مورد اجرا قرار دهند. بررسی‌های انجام شده توسط بخش نظارت بانک مرکزی، حاکی از آن است که حدود ۳۸ درصد از طرح‌های زودبازده مورد بررسی، از نظر تعداد و مبلغ اجرا نگردیده و منابع آن صرف سایر امور، توسط متقاضیان شده است. اهم موارد ملاحظه شده به شرح زیر می‌باشد:

- ۱- در اکثر موارد ملاحظه گردید، علی‌رغم کامل بودن مستندات پرونده از قبیل گزارش کارشناسی، فاکتورهای ارائه شده، نحوه صدور چک‌های تسهیلاتی و ... در نهایت با ردیابی چک‌های صادره تسهیلات مشخص گردید مبلغ تسهیلات با همکاری فروشنده کالا (صادر کننده پیش فاکتور) به حساب تسهیلات گیرنده واریز و وجوه آن به مصرفی غیر از موضوع تسهیلات از قبیل خرید زمین، آپارتمان سازی و ... رسیده است.
- ۲- وجود تسهیلات پرداختی در قالب طرح‌های زودبازده به بانک‌های خصوصی و دولتی منتقل و به مصرف خرید اوراق مشارکت و یا سپرده سرمایه‌گذاری مدت دار شده است.

۳- در بازدیدهای به عمل آمده از محل اجرای برخی از طرح ها مشخص گردید علی رغم تکمیل بودن مدارک و مستندات موجود در پرونده های تسهیلاتی، یا طرح کاملاً ایجاد نگردیده است و یا اینکه پیشرفت قابل ملاحظه ای با توجه به تسهیلات پرداختی نداشته است و یا به صورت نیمه کاره و بلا تکلیف رها شده و وجوه تسهیلات به مصرف تصفیه بدهی تسهیلات متقاضی در سایر بانک ها رسیده است.

۴- در برخی موارد وجوه مربوط به تسهیلات طرح های زودبازده، به حساب های سپرده قرض الحسنه پس انداز متقاضی (علی الخصوص ویژه کشاورزی) جهت شرکت در قرعه کشی حساب قرض الحسنه واریز شده است.

۵- در برخی موارد چک تسهیلات فروش اقساطی که به نام فروشنده (صادر کننده فاکتور) صادر شده پس از تست نویسی مجدداً به حساب متقاضی تسهیلات واریز شده و نامبرده وجه را نقداً دریافت نموده است.

از دید کارشناسان بانک مرکزی اهم دلایل عدم مصرف تسهیلات اعطایی به بنگاه های زودبازده در محل طرح به قرار ذیل است:

۱- اصرار مقامات محلی غیر بانکی در تصویب طرح ها در قالب فرایندی که بررسی توجیه فنی، اقتصادی و مالی طرح ها از سوی بانک ها را تضعیف کرده است.

۲- ضعف در ارزیابی اهلیت متقاضیان تسهیلات توسط بانک ها.

۳- ضعف بانک ها در ارزیابی اولیه طرح ها به دلیل نداشتن کادر کارشناسی مکفی با توجه به انبوه طرح های ارجاعی و سرعت عمل مورد درخواست برای پرداخت تسهیلات به طرح های زود بازده.

۴- عدم نظارت مؤثر بر نحوه مصرف تسهیلات اعطایی توسط بانک ها.

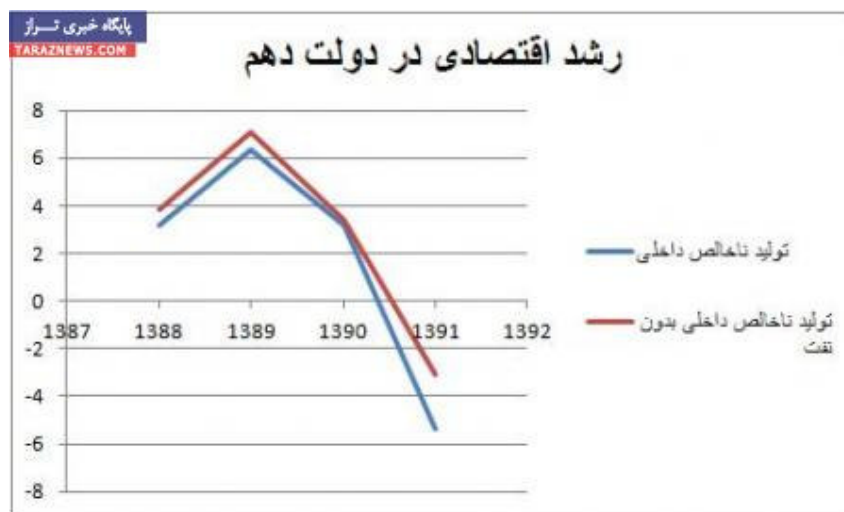
۵- وجود رانت ها در فعالیت های نظام بانکی به دلایلی از قبیل غیر تعادلی بودن نرخ های سود تسهیلات بانکی.

۶- ضعف وجود قوانین و مقررات مکفی جهت برخورد با سود جویان از تسهیلات بانکی.

۷- ضعف سازمان دهی بانک ها در تعقیب و پیگیری اداری و قضایی تسهیلاتی که در موضوع خود صرف نشده است.

۸- عدم امکان تأمین نیازهای اعتباری ضروری اشخاص به دلیل محدودیت سقف قرض الحسنه و نبود ابرازهای مالی مؤثر جهت تأمین مالی این نیازها.

اگر در هریک از دلایلی که توسط کارشناسان مربوطه در خصوص عدم تحقق اهداف طرح بنگاه های زودبازده ارائه شده اند، دقیق شویم می توانیم رد پای عدم رعایت یا عدم پایبندی به اصول اخلاق فردی و حرفه ای را ملاحظه نماییم که به عنوان جزئی از اخلاق اسلامی می تواند مطرح شود. این عدم توجه به مسایل اخلاقی در یک جامعه اسلامی با توجه با تأکید فراوانی که قرآن و روایات بر آن داشته اند، نشان از وجود یک ضعف قابل ملاحظه در ترویج یا به بیان بهتر تعلیم و تربیت اصول دینی در میان مردم دارد. حال آنکه وجود چنین ضعفی می تواند در تمام زمینه ها حتی زمینه های اقتصادی نیز اثرگذار باشد. مساله ای که کمتر بدان توجه شده است و این در صورتی است که اگر تصویب کنندگان طرح ها در سطح کلان، پرداخت کنندگان تسهیلات اعطایی و دریافت کنندگان این تسهیلات هر کدام به نوبه خود احساس مسؤولیت نموده و خود را در تمامی زمینه ها متعهد و پایبند به اخلاق اسلامی و حرفه ای بدانند و در تمام اقدامات خود، نتیجه کار خویش را مدنظر داشته باشند، این امید می رود که بسیاری از مشکلاتی که ریشه در عدم توجه به مسایل اخلاقی دارد رفع گردد و رشد و توسعه مدنظر جوامع با سرعت هرچه بیشتر اتفاق بیافتد. البته در این نتیجه گیری نمی توان تمامی دلایل ناموفق بودن طرح های مزبور را فقط به مسایل اخلاقی ربط داد اما هدف از این تحقیق برجسته کردن قسمتی بوده که علی رغم دارا بودن نقشی پررنگ در تعالیم دینی و حرفه ای در عمل چندان مورد توجه قرار نگرفته است. اگر رشد اقتصادی را نیز در دو دولت نهم و دهم یعنی زمان اجرای طرح های بنگاه های زود بازده مورد توجه قرار دهیم، متوجه می شویم که رشد تولید ناخالص داخلی منفی بوده است که این نیز نشانی دیگر از ناموفق بودن یا به بیان بهتر اجرای ناموفق طرح مذکور می باشد.



۷. صندوق توسعه ملی

صندوق توسعه ملی (حساب ذخیره ارزی) حساب بانکی برای انباشت ذخیره ارزی دولت ایران است که در سال ۱۳۷۹ توسط دولت هشتم و پس از پشت سر گذاردن شوک ناشی از کاهش

شدید درآمدهای نفتی راه‌اندازی شد. رسالت اصلی این صندوق ذخیره درآمد نفت از آنچه در بودجه دولت تعریف شده است؛ به منظور استفاده در موارد اضطرار همچون کاهش درآمد ارزش کشور در زمان افت قیمت نفت و موارد مشابه.

با وجود تدابیر محدودی که برای جداسازی بخشی از درآمد نفت از بودجه جاری دولت‌ها اتخاذ شده، این تدابیر تاکنون موفق نبوده و اگرچه هر گونه برداشت دولت و شرکت‌های دولتی از این صندوق کاملاً ممنوع بوده است، اما برداشت‌های دولت نهم و دهم برای پرداخت عیدانه، تنخواه اجرای هدفمندی یارانه‌ها و موارد دیگر راه دولت به این صندوق را باز کرد. بر پایه آن چیزی که در ماده یک قانون برنامه پنج‌ساله سوم آمده بود، قرار بر این بود در صورتی که منابع درآمدی پیش‌بینی شده دولت از محل صادرات نفت محقق نشود، دولت حق دارد تا سقف ۵۰ درصد از منابع حساب ذخیره ارزی را برای مخارج خود استفاده کند، اما با وجود اینکه دولت اصلاحات در تأمین منابع مالی مورد نیاز خود موفق بود و توانست حتی بیشتر از درآمدهای نفتی پیش‌بینی شده در بودجه عمومی کشور کسب درآمد کند، ولی طبق اطلاعاتی که وجود دارد باز هم دولت ۸۲ درصد از منابع مالی موجود در صندوق را برداشت و فقط ۱۸ درصد را برای سرمایه‌گذاری به بخش خصوصی، شبه دولتی و تعاونی پرداخت کرد. این به آن معنا بود که عملاً حساب ذخیره ارزی تبدیل به حیاط خلوت دولت شد. چنین رفتاری باعث شد منابع ارزی پروژه‌های بسیار مهم تأمین نشود و کشور از قطار توسعه باز بماند. در نهایت تا پایان شهریور ۸۶ فقط ۹.۷ میلیارد دلار از محل حساب ذخیره ارزی به فعالیت‌های مولد اقتصادی و سرمایه‌گذاری اختصاص یافت و مابقی در اختیار دولت قرار گرفت. در دولت نهم و دهم نیز این مساله تشدید شد و برداشت دولت از حساب ذخیره ارزی افزایش پیدا کرد تا اینکه حساب ذخیره ارزی به صندوق توسعه ملی تبدیل شد (آرمان، ۱۳۹۲).

تا اینجای کار مشاهده می‌نماییم که تصویب‌کنندگان طرح خود از اجرای صحیح آن امتناع ورزیده و علی‌رغم اینکه هرگونه برداشتی از صندوق توسعه ملی (بجز مواقع ضروری) توسط دولت و شرکت‌های دولتی ممنوع بوده، باز هم این عمل انجام گرفته که علاوه بر نقض قانون به وضوح نشان‌دهنده زیر پا گذاشتن اصول اخلاقی نیز می‌باشد، مساله‌ای که در طی این تحقیق به اهمیت آن اشاره شده است. از طرف دیگر بخش خصوصی به عنوان دریافت‌کننده وام‌ها و سرمایه‌هایی از حساب ذخیره ارزی به منظور سرمایه‌گذاری، از بازپرداخت به موقع آنها سر باز زده و موجب شده‌اند که برای تأمین مجدد این سرمایه مشکلاتی فراهم گردد و به این ترتیب صندوق توسعه ملی نتواند به وظایف تعریف شده خود به خوبی عمل نماید.

جمع بندی و نتیجه گیری

در یک نگاه کلی تر با در نظر گرفتن تصویب کنندگان، پرداخت کنندگان و در نهایت دریافت کنندگان تسهیلات تکلیفی به جمع بندی بحث می پردازیم:

تصویب کنندگان طرح هایی مانند بنگاه های زود بازده و ارائه تسهیلات از صندوق توسعه ملی در سطح کلان به دنبال افزایش سرمایه گذاری و اشتغالزایی و در نتیجه تسریع فرایند رشد و توسعه کشور می باشند، اما آیا در قبال هدفی که برای خود تعریف نموده اند نبایستی وظیفه تحقیق و بررسی به منظور ارائه درست تسهیلات مذکور از بعد زمانی و مکانی را نیز برعهده بگیرند؟ به عنوان مثال آیا ارائه تسهیلاتی با سقف مشخص در زمان وجود تحریم های شدید اقتصادی و شرایط رکود تورمی و نبود امکان واردات برای کالاهای واسطه ای و سرمایه ای که مهمترین نقش را در تولیدات ما دارا می باشند، بهراستی می تواند سبب شکل گیری مشاغل مدنظر و در نتیجه پویایی تولید و اشتغالزایی قابل توجه گردد؟

این در صورتی است که ما شاهد این بوده ایم که دریافت کنندگان تسهیلات به دلیل مکفی نبودن تسهیلات پرداختی برای طرح ارائه شده قادر به عملیاتی سازی طرحها نگردیده و کار را نیمه کاره رها ساخته یا بعد از مدت کوتاهی فعالیت مجبور به تعطیلی مشاغل مذکور گردیده اند. یا به عنوان مثال از نظر بعد مکانی آیا تخصیص اعتبار توسط صندوق توسعه ملی برای کاشت برنج در استان آذربایجان غربی ضروری به نظر می رسد؟ سؤالات مشابه زیادی را در خصوص نحوه سیاستگذاریها برای صرف ذخایر ملی می توان بیان نمود که همگی نشان از نادیده گرفتن اخلاق فردی و حرفه ای در سطوح مختلف مدیریت می باشند. چرا که اگر آن سیاستگذار یا آن تصویب کننده طرح و یا در سطوح پایین تر مدیران اجرایی هر کدام خود و وجدان خویش را در قبال بیت المال که توسط ایشان هزینه می گردد، متعهد حس کنند، شاید کمی بیشتر در خصوص زمینه های لازم و ضروری برای تخصیص اعتبار مزبور و نحوه تخصیص وجوه مربوطه و همین طور اجرای دقیق و مسؤولانه طرح ها حساس تر شده و همین امر نیز موجب تحقق اهداف والایی که در طرح ها و برنامه ها مدنظر قرار داده می شود، گردد.

پرداخت کنندگان تسهیلات تکلیفی اگرچه به نظر می رسد که در بیشتر مواقع علی رغم خواست قلبی خود مجبور به پذیرش وظیفه محوله می گردند اما این دلیلی برای ضعف و کاستی آنها در تخصیص درست و بجای اعتبارات در اختیار قرار داده شده و انجام متعهدانه و مسؤولانه وظیفه مذکور نمی گردد. پرداخت کنندگان بایستی این اعتبارات را به طرح هایی که علاوه بر سودآور بودن با نیازهای جامعه و اهداف برنامه های توسعه نیز هماهنگی داشته باشد و در

عین حال از نظر بازپرداخت تسهیلات اعطایی نیز مشکلی نداشته باشند، اختصاص دهند که این نیازمند کار کارشناسانه و تلاش شبانه روزی متصدیان امور می باشد. اما آیا واقعاً چنین اتفاقی در سیستم اداری ما افتاده است؟ بنگاه هایی که بعد از فعالیت کوتاه مدت ورشکسته شده و قادر به بازپرداخت بدهی خود به سیستم بانکی نمی باشند، طرح هایی که از ابتدا گامی برای اجرایی سازی آنها برنداشته شده است، کارگاه هایی که نفس های آخر خود را می کشند، نقدینگی هایی که بی هدف به جامعه تزریق شده اند، عدم کاهش بیکاری در جامعه، افزایش تورم و ... همگی می توانند دلایلی برای عدم تخصیص بهینه اعتبارات مذکور توسط مسؤولان مربوطه باشند که این نیز نشانی از بی توجهی به مسائل اخلاقی، هم از بعد فردی و هم، از بعد حرفه ای است؛ مساله ای که در یک جامعه اسلامی علی رغم تأکیدات فراوان قرآن و روایات، بر رعایت آن، جای بسی تامل دارد.

و در نهایت دریافت کنندگان این تسهیلات، که در واقع برای دریافت تسهیلات مذکور با ارائه طرحی خود را متعهد به اجرای آن طرح در قبال دریافت اعتبار از سوی سیستم بانکی می نمایند، اما در عمل ما شاهد افزایش بیکاری در جامعه می باشیم، این در صورتی است که طرح های ارائه شده برای دریافت تسهیلات اعطایی نشان از آن داشت که بیکاری کاهش یافته و تولید رونق خواهد یافت. اهدافی که به دلیل عدم رعایت تعهد داده شده توسط دریافت کنندگان تسهیلات تکلیفی هرگز رنگ واقعیت به خود نگرفت. این واقعیت در جامعه ای اتفاق می افتد که اصول اساسی شکل گیری آن بر این مساله استوار است که در یک توافق دو طرفه هر دو طرف موظف به رعایت تعهد داده شده می شوند و نقض این تعهد از سوی هر یک از طرفین با اصول دینی و اخلاقی ناسازگار دانسته شده است. حال آنکه اگر تمامی افراد کار خود را به درستی و با رعایت اخلاق فردی و حرفه ای انجام دهند، بسیاری از موانع موجود بر سر راه شکوفایی جامعه در تمامی زمینه ها من جمله زمینه های اقتصادی برطرف می گردد.

منابع

۱. بحار، ج ۱۰، ص ۴۱۹.
۲. بحار، ج ۷۵، ص ۵۳.
۳. بحار، ج ۶۸، ص ۳۹۶.
۴. بحار، ج ۶۸، ص ۳۹۵.
۵. بحار، ج ۷۴، ص ۱۴۸.
۶. غررالحکم.
۷. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۳۸ (چاپ قدیم).
۸. امیری، علی نقی؛ همتی، محمد و مبینی، مهدی (۱۳۸۹)، "اخلاق حرفه‌ای؛ ضرورتی برای سازمان".
۹. بنی طباء، حسنی سادات، "مفهوم اخلاق و معیار فعل اخلاقی در مکاتب مختلف"، گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی.
۱۰. تلمسانی، ایسام و ماتیسوس، رابین (۱۳۸۷)، "بانکداری اخلاقی: نگاه اسلامی"، سالنامه "دین و اقتصاد"، شماره ۷ و ۸.
۱۱. تولایی، روح الله (۱۳۸۸)، "عوامل تأثیرگذار بر رفتار اخلاقی کارکنان در سازمان"، دوماهنامه علمی- ترویجی "توسعه انسانی پلیس"، شماره ۲۵.
۱۲. حسینی، لیلا (۱۳۹۰)، "اخلاق حرفه‌ای در آموزه‌های اسلامی"، مجله "کار و جامعه"، شماره ۱۳۶، صفحات ۹۱-۸۱.
۱۳. دادگر، یدالله (۱۳۸۵)، "اخلاق بازرگانی (و کسب و کار) از منظر اقتصاد و اقتصاد اسلامی"، نشریه علمی- پژوهشی "پژوهش‌نامه بازرگانی"، شماره ۳۸، صفحات ۱۲۰-۸۷.
۱۴. داود، الهام (۱۳۷۹)، "اولویت اخلاق در اقتصاد اسلامی"، نشریه "درسهایی از مکتب اسلام"، شماره ۳، صفحات ۳۵-۲۹.
۱۵. سن، آمارتیا (۱۳۸۶)، "نیاز اقتصاد با ارزش‌های اخلاقی"، سالنامه "دین و اقتصاد"، شماره ۵ و ۶.
۱۶. صالحی، جواد و صالحی، معصومه (۱۳۹۳)، "مؤلفه‌های اخلاق در کار و اصول حاکم بر آن از دیدگاه اسلام"، فصلنامه فکر و نظر، شماره ۱۲ و ۱۳.
۱۷. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۵۶)، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر همدانی، ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۱۸. فتحعلی خانی، محمد (۱۳۷۹)، آموزه های بنیادین علم اخلاق، ج ۱، قم: انتشارات شهریار.
۱۹. کاویان، بهنام (۱۳۸۶)، "بررسی اخلاق کار در بخش دولتی و خصوصی"، ماهنامه تدبیر، سال شانزدهم، شماره ۱۶۵.
۲۰. مطهری، مرتضی (۱۳۶۸)، آشنایی با علوم اسلامی، قم: انتشارات صدرا.
۲۱. موثقی، سیداحمد (۱۳۷۸)، "اخلاق کار اسلامی"، مجله "کار و جامعه"، شماره ۳۱، صفحات ۱۵-۲۳.
۲۲. میربهاداری، سید بهزاد، "تسهیلات تکلیفی و اثرات آن بر سیستم بانکی کشور"، نشریه روند، شماره ۳۰ و ۳۱.
23. Cadozier, V. (2002) The moral profession: "A study of moral development and professional ethics", Retrieved from proquest.com.
24. Hartog, mary and Winstanley, Diana (2007) Ethics and Human Resource, "Management: Professional Development and Practice", Journal of Business & Professional Ethics, Vol. 21, No. 2.
25. Moberg, Dennis J., and Mark A. (2006) Seabright, "The development of moral imagination", Business Ethics Quarterly. Retrieved from emeraldinsight.com.